

جهت‌گیری‌های دولت در تجارت الکترونیکی چه باید باشد؟

دکتر روح الله نوری، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

هفته نامه عصر ارتباط

در حال حاضر فناوری اطلاعات و اینترنت به میزان ماشین بخار و حتی بیشتر از آن بر جامعه و اقتصاد تاثیر گذاشته‌اند. تمامی بخش‌های جوامع اعم از دولتی، خصوصی و غیر انتفاعی در امور روزمره، عادی و راهبردی خود از این فناوری بهره می‌گیرند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که در عصری که بکارگیری از فناوری اطلاعات و اینترنت به امری عادی مبدل شده، جهت‌گیری دولت‌ها و سازمان‌ها در این خصوص به چه سمت و سویی جریان دارد؟ به عبارت دیگر، آیا دولت و سازمان‌ها همچنان بایستی در پی فراهم‌سازی زیرساخت‌های سنتی تجارت الکترونیکی، طراحی وبسایت‌های اطلاع‌رسانی، طراحی یا خرید نرم‌افزارهای کاربردی و مانند اینها باشند یا بایستی رویکردهای جدیدی را اتخاذ کنند؟

اقتصاد مبتنی بر کارایی که بر منابع مادی تولید متکی بود، با ظهور فناوری اطلاعات به اقتصادی مبتنی بر اطلاعات مبدل شد. در بدو امر اطلاعات به کمک کارایی شتافت، سپس به رقابت‌پذیری کمک کرد، اما در حال حاضر اقتصاد دیجیتالی ظهور کرده است که در آن تعامل، همکاری، یکپارچگی و هوشمندی عوامل کلیدی موفقیت را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، ضرورت دارد دولت و سازمان‌های بخش عمومی و بازار و حتی سازمان‌های غیر دولتی که هدف اصلی آنها توسعه همکاری‌ها و مشارکت اجتماعی است، عوامل کلیدی جدید موفقیت در جامعه و اقتصاد دیجیتالی را درک کرده و جهت‌گیری‌های خود را با این روند همسو سازند.

و اما جهت‌گیری‌ها چه باید باشند؟ اولین جهت‌گیری ایجاد اشتراک و یکپارچگی است. به منظور تحقق انسجام و یکپارچگی و نیز صرفه‌جویی به مقیاس، یکپارچگی و اشتراک زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، یکپارچگی و اشتراک شبکه، یکپارچگی و اشتراک نرم‌افزارهای سیستمی و کاربردی و در یک کلام پردازش ابری¹ بایستی به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. البته در این خصوص چالش‌هایی وجود دارد که بایستی حل شوند. مسئله امنیت، حریم خصوصی و استاندارد سه چالش اصلی هستند که بایستی در سیاست‌ها و برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرند. برای مثال تصور کنید

¹ Cloud computing

تمامی شهرک‌های صنعتی و شرکت‌های مستقر در آنها با استفاده از سیستم‌های پردازش ابری بتوانند زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، نرم افزارهای کاربردی و دیگر اجزای تجارت الکترونیکی خود را به صورت مشترک طراحی، اجرا و استفاده نمایند، نتایج حاصله بسیار شگفت‌انگیز خواهد بود.

جهت‌گیری بعدی همکاری بین‌سازمانی و شبکه‌ای است، چرا که دیگر نمی‌شود با فناوری‌های پیشین اطلاعات که فعالیت‌های یک سوبه، بخشی و وظیفه‌ای را تقویت می‌کردند، در دنیای دیجیتالی فعالیت نمود. در این راستا دولت و سازمان‌ها بایستی به سمت استفاده از فناوری‌های اطلاعات اجتماعی همچون سیستم‌های بین‌سازمانی^۲ شبکه‌های حلقوی^۳ و وب^۴ حرکت کنند.

جهت‌گیری سوم، هوشمندی مبتنی بر دانش فردی و اجتماعی است. محیط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کشور و سازمان‌ها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فناوری با سرعت بسیار در حال تغییر است. بر خلاف گذشته که کمیابی منابع مسئله اصلی بود. در حال حاضر فزونی منابع اطلاعاتی مسئله کلیدی در تصمیم‌گیری است. دولت بایستی بتواند با طراحی سیستم‌های هوشمند تصمیم‌گیری با استفاده از فناوری‌های پیشرفته هوش تجاری^۵ سیاست‌های کلان اقتصادی همچون تعیین نرخ بهره، نرخ ارز، تعرفه واردات و صادرات، میزان تورم، میزان اشتغال و بیکاری را تعیین و مدیریت نماید.

هوش تجاری به گونه‌ای منسجم و یکپارچه، داده‌ها و اطلاعات مربوط به اقلام مورد نظر را از منابع مختلف که اصطلاحاً به آن بازار داده^۶ گفته می‌شود، جمع‌آوری می‌نماید. این داده‌ها را در انبار داده مرکزی استخراج، تبدیل، یکپارچه‌سازی و تحلیل نموده، سپس با استفاده از سیستم‌های هوشمند داده‌کاوی و مدیریت اطلاعات، به صورت یک داشبورد قابل مدیریت برای تصمیم‌گیران ارائه می‌کند. به طوریکه، برای مثال تصمیم‌گیرنده تمامی اطلاعات اصلی مورد نیاز برای یک قلم کالا را به راحتی در یک صفحه دارای علائم گرافیکی مشاهده می‌نماید (نوری و اسفیدانی، ۱۳۹۰). برای مثال داده‌های ورودی در سیستم هوشمند میوه و تره‌بار عبارتند از: تولید فصلی، فروش فصلی، فروش واقعی در هر

² IOS

³ Grid network

⁴ Web2

⁵ Business Intelligence

⁶ Data Mart

فروشگاه، منحنی تقاضای محصول بر اساس قیمت، قیمت رقبا، شاخص‌های سودآوری و غیره. تصمیم‌گیران با استفاده از این برنامه متوجه می‌شوند که کدام یک از کالاها بیشترین عرضه، تقاضا یا برای مثال حساسیت قیمتی را دارند و بر این اساس با استفاده از اولویت‌ها، استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های تولید، عرضه و قیمت هر محصول را مشخص و مدیریت می‌کنند.